

### دریچه

## یک نمایشگاه که به ۳۰ استان می رود

### حرم به روایت معماری؛ از اکستریم کلوزآپ تا اکستریم لانگشات



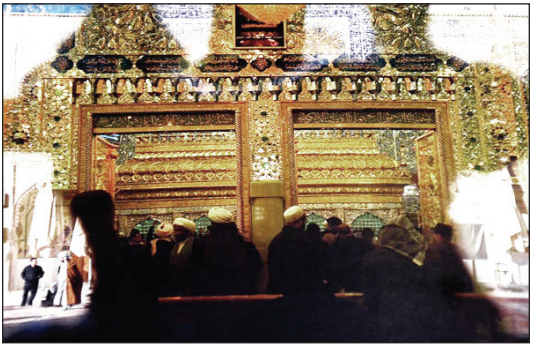
□ شمیم قربانی /

۱- اقتصاد هنر دهها و صدها خدمت به جامعه هنری ایران کرده است اما از رهگذر گران شدن آثار هنری، حمل و انتقال نمایشگاه‌ها از تهران به جای جای ایران را با دشواری بسیار روبه‌رو کرده است. پیش از این کم نبودند رویدادهای هنری که به جهت اقبال در پایتخت، زمینه نمایش آن در برخی استان‌ها هم فراهم می‌شد اما در سال‌های اخیر از این دست اتفاقات کمتر دیده می‌شود. به خصوص در عرصه نقاشی که در نبود سیستم بیمه، انتقال آثار گرانبه‌تر دل شیری می‌خواهد.

از این منظر، مدیوم عکس هنوز برای تسری رویداد هنری بر پهنه جغرافیایی همچنان منطق‌پذیر است و شاید از همین‌رو است که دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور عکس‌های محمد خوشرو از بازارگاه حضرت علی (ع) را مسافر استان‌های کشور کرده است. خوشبختانه با رشد تکنولوژی چاپ و آرایه عکس روی متریال‌های تازه این مسافرت جهادهای مقدور شده است.

۲- تاثیر نهاد مذهب بر جامعه ایرانی روشن‌تر از آفتاب است اما به نظر می‌رسد گاهی هنر در انعکاس آنچه مخاطب می‌پسندد، کثرت لازمه را ندارد؛ رویدادهایی از این دست یک امکان فوق‌العاده برای حضور هنر در متن جامعه است، نفوذ در بخشی از جامعه که شاید کمتر به دیدار آثار هنری می‌روند، به این امید که به جهت خاطره خوش این دیدار و جلب اعتماد از دیگر دستاوردهای هنری هنرمندان هم دیدن کنند از همین‌رو است که عکس با توجه به مستند و باورپذیر بودنش بهترین کارکرد دارد.

۳- عکس‌های محمد خوشرو از نجف و بارگاه امیر مومنان، عکس‌های خاصی است به هیجوجه ثبت یک‌سری وقایع در حرم نیست، اتفاقا زوار و هر انسان دیگری تقریباً در همه عکس‌های او غایب هستند. زاویه لنز او به آرایه‌های هنری از کاشی‌ها گرفته تا سردرها و طاق‌هاست و این کنکاش

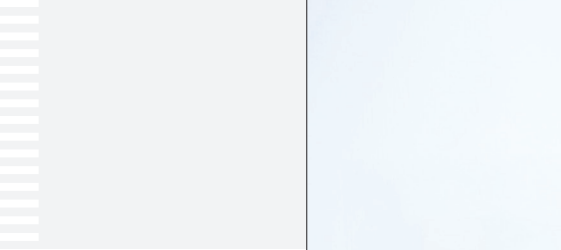


موضوع محور را با داستان خالی و بدون استفاده از تجهیزات پیشرفته نور و... انجام داده است که هر گاهی به مسائل امنیتی امکان‌متر که در عراق به خصوص در فواصل سال‌های ۸۸ تا ۹۴ (زمان ثبت این مجموعه) بر این امر واقف است.

توجه خاصه عکاس به معماری این حرم است و سعی دارد نوری بتاباند بر آنچه هنرمندان طی قرن‌ها در این بارگاه به امانت گذاشته‌اند؛ شاهکارهایی از سنت‌های سیرینه سال‌ها رساله‌ای که از سترشوق و ارادت، بر اجرای دقیق آنها جان نهاده‌اند اما گویا این همه هدف نیست، به گفته هنرمند این آثار می‌گویند تا به مخاطب هوشمند امروز بازنگری در سبک زندگی با الهام از معماری امکان‌متر که را یادآوری کند؛ کنشی معنوی در زمینه هنر که شاید به بازیابی آرامش گمشده انسان معاصر بینجامد.

۴- حضور محمدجواد ظریف، وزیر خارجه و البته وزیر ارشاد نمایشگاه عکس‌های کمتر دیده شده حرم علوی، آثار محمد خوشرو از ۲۲ خرداد در فرهنگسرای نیاوران کار خود را آغاز کرد، ۱۵ تیر در موسسه صبا ادامه یافت و حال قرار است هر پنج روز یک بار عازم سفرهای استانی شود؛ اتفاقی که البته چندی است آغاز شده؛ این نمایشگاه هفته پیش در البرز بود و اکنون در قزوین در نگارستان قرآن نویه به تماشااست؛ زنجان و سپس همدان در دو هفته پیش رو میزبان این آثارند و از شهر بورماه به تیرب در چهار استان کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی، همراه در کرمان، دیلم، گیلان، مازندران و سمنان، آمان‌ها در گلستان، خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی، آذرماه در سیستان و بلوچستان، جنوب کرمان، کرمان و یزد، دی ماه در فارس، هرمزگان، بوشهر و خوزستان، بهمن‌ماه در ایلام، لرستان، مرکزی و قم و اسفندماه در سه استان اصفهان، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد پیش روی مردم قرار می‌گیرد.

۵- نکته به جای مانده درباره این آثار پیوند دادن قدرت خیال در خلق عکس از یک واقعیت بیرونی است. خوشرو را پیش از اینها یک عکاس انتزاعی می‌شناسند که مجموعه آثارش بعد از نمایش در گالری‌های اعتماد و ماه مهر در کتابی با عنوان «خیال» منتشر هم شده است همین زاویه نگاه خلاقانه در انتزاع است که توانسته سه کتاب او درباره حرم‌های مطهر: «هر استان رضا (ع)، سجده صاحب‌نظران و نسیم سحر» را متفاوت و متمایز کند، چونان یک روایت سینمایی از اکستریم کلوزآپ تا اکستریم لانگ‌شات.



ارزی جریان هنر در ایران پرده برمی‌دارد هم به نسل نوین هنری ایران، انگیزه کار جدی‌تر برای دیده شدن عطا می‌کند؛ امسال نیز در میان ۱۷۸ اثر از ۱۶۰ هنرمند همین اتفاق می‌موس و مبارک رخ می‌دهد و در کنار بزرگانی مانند زنده‌یادان سهراب سپهری، بهمن محمص، فریده لاشایی، محمود جواد پور، فرامرز پیل آرام، رضا مافی، منی‌اسماعیل، زازه تباتبایی... و نیز هنرمندان بزرگی مانند محمد احصایی، پروانه اعتمادی آثار هنرمندان جوان مانند علیرضا سعادت‌مند، گلناز قدیری، حسین چراغچی هم در دسترس است که از آمار فروش‌های جالب توجه هم می‌شوند.

دیگر رویکرد قابل توجه این رویداد، توجه به مجموعه‌داران به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین اعضای خانواده تجسمی است. اینکار جالب توجه این رویداد این است که فرصت فروش و خرید مجدد به مجموعه‌داران عطا می‌کند؛ امسال از ۱۷۸ اثر ۴۰ اثر به مجموعه‌داران تعلق دارد. آنها کارهایی که دوست نمی‌دارند می‌فروشند و دوباره از همین نمایشگاه کار می‌خرند. یک خبر دیگر نمایشگاه امسال عرضه ۴۰ اثر مجسمه است. اما اینها به کنار، قیافه به یادماندنی صد اثر است که بدون اغراق از روی زمین تا سقف آثار هنری دیده شده است. انگار که تمام دیوار را با رنگ‌های فوق‌العاده متنوع پوشانده‌اند؛ به این نیست که بیست و سومین صدآثار، اثر هنری متماشبی که می‌نارند.

نمایشگاه تابستانی «صدآثر صد هنرمند» تا دهمین روز شهریور هر روز ادامه دارد و از آنجا که هر اثری در فروش رود، اثر دیگری از همان هنرمند جایگزین می‌شود، هر چند روز یک بار می‌توان نمایشگاهی تازه در آن دید.

گالری گلستان در دروس، خیابان کماسی پلاک ۳۴ واقع است.

حضور بسیاریان می‌شود و برخی تروست‌وار می‌روند تا آثار او را تماشا کنند که حالا دیگر کمتر در دسترس است.

### یک مرداد و یک روزگار

هنرهای تجسمی ایران از خلأ برگزاری مستمر رویدادهای بزرگ و سراسری در رنج است؛ هم رویدادهایی که کلی برگرزیده و برنده داشته باشد و هم رویداد نمایشگاهی که مردم در سایه استمرارش عادت به برگزاری‌اش کرده باشند؛ صدآثر صد هنرمند که به‌طور شفاف یک نمایشگاه است و در کنار مشاخر هنری کشور برای فروش است؛ اتفاقی که هم ناگفته از جوشش پر

کسانی که با همین فرآیند تبدیل به مجموعه‌دار هم شده‌اند. این رفتار سخنگوی هفت‌نگاه تبیین کرده بود، آن سال که خواهان تقویت شعار «هر خانه ایرانی یک اثر هنری» شده بود؛ این مهم تنها زمانی محقق می‌شود که به شمار سلاقی مردمی اثر هنری با گرایش‌های فرمی و محتوایی وجود داشته باشد و مردم آن کاری را که دوست دارند، در دسترس خرید بینند.

### سهراب‌ها هست!

پیش از این عادت کرده بودیم نقاشی‌های سهراب سپهری را بنامیدیم که فروش رفته تلقی کنیم، لذا شاید جالب باشد که بدانید دو تابلوی

خریداران برای نخستین‌بار است که اثر هنری می‌خرند، پیغامی خوش هنرمند که قیمت آثارش به‌طور میانگین دو تا سه میلیون تومان است در صدر ایستاده است: «شمس‌الدین غازی» با فروش پنج نقاشی و مجسمه؛ پیش از این او در کنار آرمان یعقوب‌پوش مصطفی دره بانگی سه اثر فروخته بود. این روکردها با توجه به فروش خوب صدآثر، به‌طور روزانه در حال تغییر است.

### خریداران چه کسانی هستند؟

نکته بسیار استراتژیک صد آثر و راز ماندگاری‌اش نه در میزان فروش بلکه در انبوه دیدارکننده از آن است؛ لیلی گلستان می‌گوید اکثریت خریداران صد آثر را نمی‌شناسند و حتی این دوره با اعلام این آمار که ۹۰ درصد

## گفت‌وگوی روز

### گفت‌وگو با کریس استیونز، نقاش و نمایشگاه‌گردان فرانسوی

## فرصتی برای برخورد با مسائل ملی، سیاسی و اجتماعی



در حالی که این قضیه هنوز ادامه دارد، فرصت برخورد با مسائل ملی، سیاسی و اجتماعی را دست‌نماید و این مسائل زندگی روزمره من را تحت تاثیر قرار می‌دهند. اگر بخواهم از مجموعه کارهای خود مالمی، زنم، می‌توانم به مجموعه‌ای از نقاشی‌های اخیرم اشاره کنم که حاصل سفرم به بلژیک هستند. در گالری بروکسل دو کوئینتا نمایشگاهی برگزار کرده بودم، پیش از این به بلژیک سفر نکرده بودم و بدین سبب می‌ادین جنگ جهانی اول را ندیده بودم. دانش من از تاریخ جنگ مربوط به درس تاریخ مدرس، مطابقت پراکنده و فیلم‌ها بود و انتظار نداشتم که تا این حد تحت تاثیر این تجربه قرار بگیرم. در آنجا به گورستان‌های نفلین، سنگ‌های تاریخی که حفاظت شده بودند و زندان‌ها و سسر دم، آن زندان‌ها برای نگهباری از سربازانی استفاده می‌شد که به جرم فرار از جنگ، محکوم به تیرباران بودند. این سربازان، نگوین مطالبی بودند که برای درس عبرت دیگران انتخاب می‌شدند. روی دیوارهای این‌ها نوشته‌هایی از این سربازان دیده می‌شد، یکی از این نوشته‌ها «من در حسرت آغوش تو هستم. بود من این عبرت تاریخی را نگیز برای عیبی کن از آثارم انتخاب کردم. اثری که این سفر روی من گذاشت این بود که می‌توانم نقاشی‌هایی در مورد این تجربه خلق کنم. بعد فهمیدم که نمی‌توانم نقاشی‌هایی در مورد تاریخ جنگ جهانی اول کار کنم، بنابراین برای نقاشی‌های در مورد انسان‌ها خلق کردم.

این اثر متشکل از سه قسمت است که در آن پیکر تنهایی یک مرد سیاه‌پوست جوان توسط دو سرباز احاطه شده است، این سربازان با استفاده از نمونه عکس‌هایی که در اینترنت دیده بودم، سربازان در واقع این عکس‌ها را در وبسایت دولت آمریکا دیده بودم که دو سرباز جنگ عراق را نشان می‌داد. نیم این بود که ترس از جنگ و آثار اجتماعی آن را نشان دهم و نه اینکه روی یک جنگ خاص تمرکز کنم. به‌نظر من در جامعه‌های زندگی می‌کنیم که آزادی ما را دایماً تحت تاثیر نگه‌داری می‌کنیم که در مورد ما بین رفتن آزادی‌های مدنی داریم، هنوز انتخاب‌هایی وجود دارد. ما خدمت اجباری سربازی نداریم و می‌توانیم خودمان تصمیم بگیریم و در مورد مسئولی‌مانند جنگ عراق علیه دولت دست به تظاهرات بزنیم. دایماً توسط تبلیغات رسانه‌ای مجبران می‌شویم؛ اما هنوز دارای آزادی فکر هستیم. در نخستین جنگ جهانی، تا سال ۱۹۱۶ سربازی اجباری وجود نداشت، تا آن زمان وظیفه ملی این بود که برای شاه و کشور به جنگ وارد شویم.

«کریس استیونز» نقاش و نمایشگاه‌گردان سرشناس فرانسوی، در سال ۱۹۵۶ به دنیا آمده است. وی سال ۱۹۷۸ از دانشگاه دینک فارغ‌التحصیل هنر شد و از آن زمان تاکنون تحت عنوان نقاش مشغول کار و فعالیت است. او در انگلیس و فرانسه کارگاه دارد و در این دو کشور زندگی و کار می‌کند. همچنین نمایشگاه‌های متعددی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ موز در شهرهای مختلف جهان برگزار کرده است. از میان نمایشگاه‌های او می‌توان به نمایشگاه‌هایی در گالری‌های PM در لندن، گالری اسملیک و استونینگ در آمستردام، گالری والکر در لیورپول، گالری کیوبیسو در ژاپن، گالری هنری در آمریکا، گالری هوارد گارنز، موزه گلین ویسوی آن، موزه‌های کاردیف و لاکسرویو. اشاره کرد. آثار کریس استیونز در نمایشگاهی به همراه آثار هنرمندان مطرحی همچون لوسین فریوید، دیوید هاکتی، والتر سیکرت، اندی وارمول، مارکوس لوپرتز و... در آلمان نمایش داده شده است. از دیگر افتخارات این هنرمند می‌توان دریافت شش مرتبه جایزه BP Portrait از سوی نشنال پرتر گالری لندن را نام برد و علاوه بر این او جوایز ارز‌شمنند دیگری را نیز دریافت کرده است که جایزه نمایشگاه نقاشی چهره که توسط یکی از ساچنی لندن برگزار می‌شود یکی از آنهاست. وی همچنین در شورای هنری باشگاه فوتبال ساندرلند و فردوگاه بین‌المللی بیرمنگهام مشغول فعالیت است.

آثار کریس در کلکسیون‌های عمومی و خصوصی مختلفی همچون موزه ویکتوریا و آلبرت، گالری ملی پلر، یونیولور، گالری پورتزیت در بوستون و هرگز و گون و کلکسیون‌های خصوصی متعددی در بریتانیا، آفریقا، جنوبی، امریکا و اروپا وجود دارند. او علاوه بر نقاشی در زمینه نمایشگاه‌گردانی هم فعالیت‌هایی داشته است و National Reality یا Reality را نام نمایشگاه گردانی کرده است. Reality نمایشگاهی مربوط به نقاشی مدرن و معاصر بریتانیاست که در مرکز سنتربری و همچنین گالری نورویچ و والکر در لیورپول با مسروزی بر نقاشی مفهومی بریتانیا در طول ۶۰ سال گذشته برگزار شد.

همکار ما امید یعقوبی با این نقاش و نمایشگاه‌گردان فرانسوی مصاحبه اینترنتی در تریب داده است که در زیر مشروح آن را می‌خوانیم.

به عنوان نخستین سوال درباره کارهای شخصی‌تان توضیح می‌دهید؟ تم اصلی کارهایی من مربوط به تمایل جامعه به گرویدگی‌های محدود و پیشداری‌های حاصل از آن است. این مساله از اوایل دهه ۸۰ ده مغز مغز اصلی من بوده است.

کارگاهی در فاصله دو مایلی آنجا داشتم و یکی از نقاشی‌های من در فاصله نیم‌مایلی آنجا در نشتال پرتو گالری در حال نمایش بود ولی من نیاز داشتم که برای به دست آوردن پول کنم. پل بارتل درس من را از گالری گرفت و من به ملاقاتم آمد و کار را به من سفارش داد. من چند روز بعد از آنجا رفتم، او را روز بعد دیگر به حفز چاپ‌های کسب‌درآمدن یاد داشتم.

### شما چند ساعت در روز را به کار اختصاص می‌دهید؛ اصلاً اوقات فراغت دارید؟

ممکن است بچگونه به نظر برسد ولی من هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شوم برای رفتن به کارگاه هیجان‌زده هستم. در تمام طول روز از هشت صبح تا پنج بعدازظهر در کارگاه مشغول کار هستم. این بدین معنی نیست که همیشه در تمام این ساعات در حال نقاشی کردن هستم، اما حضور در کارگاه نظم خوبی به زندگی‌ام می‌دهد. از دوچرخه‌سواری در کوهستان لذت می‌برم و منطقی‌ای که کارگاه من در آن واقع شده است برای دوچرخه‌سواری عالی است. صدها مسیر دوچرخه‌سواری در مونتان نورس وجود دارد که منطقی‌ای ایده‌آل برای دوچرخه‌سواری کوهستانی است.

### آیا تاکنون در کارتان با شکست روبرو شده‌اید؟

سعی می‌کنم همانند بسیاری از هنرمندان شکست‌خیزم. برای کار کوتاه‌ترین زمان ممکن فراموش کنم. گمان می‌کنم تنها شکست واقعی من، خلق نقاشی‌های بد است. دورهای وجود داشت که با یک گالری در هلند کار می‌کردم و در آن دوران تعداد بیش از حدی نقاشی برای پاسخ به میزان تقاضای انجام می‌دادم و می‌دانستم که تعدادی از آنها در حال حاضر به یاد خودم نیستند. گمان می‌کنم که شکست تلخی نبود ولی حس خوبی هم نداشتم.

### برای خلق آثارتان چه مرحله‌ای را طی می‌کنید؟

بیشتر نقاشی‌ها را با طراحی یک فرد، حیوان یا هر شیء دیگری آغاز می‌کنم. این کار را با علم به اینکه ممکن است آن قسمت را در طول پروسه نقاشی حذف کنم انجام می‌دهم ولی این کار را به عنوان نقطه آغاز برای گسترش یک داستان انجام می‌دهم. هنر نقاشی دارای فرآیند گسترش متفاوتی است اما تشابهاتی میان گروه‌های کوچکی از کارهای من وجود دارد. همچنین ممکن است در یک زمان روی چند نقاشی مشغول به کار باشم. در حال حاضر شش ماهت نقاشی در حال تکمیل کردن دارم و می‌خواهم یک روزی مجموعه کوچکی بر اساس عکس‌هایی که با تلفن همراه خود در مراسم شام محلی در سانگلیر گرفتم آغاز کنم.

برای آینده چه برنامه‌هایی دارید؟ قصد دارم که نقاشی که نمایش آثارم را ادامه دهم و این کاری است که از زمان ورود به دانشگاه هنر انجام داده‌ام، با این وجود احتمالاً نمایشگاهی را دیگر نمایشگاه گردانی نکنم. در این سال‌هایی که به فعالیت هنری مشغول هستم؛ یاد از چه لحظاتی

